



مسلمانان در اسپانیا (سال‌های ۱۵۰۰-۱۶۱۴م/۹۰۵-۱۰۱۹ق)

لئونارد پاتریک هاروی

مترجمان:
دکتر عبدالله ناصری طاهری و دکتر انسیه باقری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۷

Harvey, Leonard Patric

هاروی، لئونارد پاتریک - مسلمانان در اسپانیا (سال‌های ۱۵۰۰-۱۶۱۴ م. / ۹۰۵-۱۰۱۹ ق.) / لئونارد پاتریک هاروی؛ ترجمه عبدالله ناصری طاهری و انسیه باقری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.

یازده، ۵۷۲ ص: جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۱۹: تاریخ؛ ۱۰۳) بها: ۳۲۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-180-6

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Muslim in Spain, 1500 to 1614, c2005.

کتابنامه. ص. [۵۲۹] - ۵۵۱؛ همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. موریسکوها-تاریخ. ۲. Moriscos-History. ۳. مسلمانان-اسپانیا-تاریخ. ۴. Muslim-Spain-History. ۵. اسپانیا-تاریخ-فردیناند و ایزابل، ۱۴۷۹-۱۵۱۶ م. ۶. Spain-History-Ferdinand and Isabella, 1516-1700. ۷. اسپانیا-تاریخ-خاندان هانسبورگ، ۱۵۱۶-۱۷۰۰ م. ۸. Spain-History-House of Austria, 1516-1700. الف. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹- مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۹۴۶/۰۴۰۸۸۲۹۷

DP۱۰۴/۵۲م ۱۳۹۶

۴۹۵۹۵۶۳

شماره کتابشناسی ملی



مسلمانان در اسپانیا (سال‌های ۱۵۰۰-۱۶۱۴ م/ ۹۰۵-۱۰۱۹ ق)

مؤلف: لئونارد پاتریک هاروی

مترجمان: دکتر عبدالله ناصری طاهری و دکتر انسیه باقری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش: اعتصام (اسماعیل یارمحمدی)

صفحه آرای: اعتصام

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۴۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمبر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به‌عنوان منبع درسی و کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ به‌ویژه تاریخ و تمدن ملل اسلامی و تاریخ اروپا در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به حوزه مطالعات اسلامی چون مطالعات شرق‌شناسی، فلسفه و ادبیات اسلامی و نیز علوم سیاسی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مترجمان، جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و دکتر انسیه باقری و نیز همکاری سرکار خانم نرگس علیزاده و همچنین از ارزیاب محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری طرح تشکر و قدردانی کند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجمان.....
۲	و اما در مورد نویسنده.....
۵	مقدمه مؤلف.....
۱۱	تقدیر و تشکر.....

فصل یکم: آغاز اسلام مخفی در شبه جزیره ایبری

۱۴	اهمیت نام‌هایی چون مسلمان، مورسک و نوکیش.....
۱۹	انواع دیگر «مورسک‌ها».....
۲۰	قومیت.....
۲۴	اهمیت تعداد افراد.....
۲۷	تخمین و برآوردها.....
۲۹	جنبش تغییر مذهب به مسیحیت.....
۳۰	سیاست کشور کاستیل در تغییر اجباری دین: ارتباط رخداد‌های کشور پرتغال در تغییر اجباری دین در سال ۱۴۹۷م.....
۳۸	تغییر دین مسلمانان پادشاهی کاستیل.....
۳۹	دو دیدگاه مخالف درباره نومذهبان.....
۴۲	تغییر کیش در گرانادا/غرناطه.....
۵۰	پیدایش اسلام پنهانی.....
۵۴	جنبش‌های روستاییان پس از قیام آلبایسین/البازین.....
۵۷	آغاز عصر مورسکی.....

فصل دوم: مسلمانان اسپانیا تحت فرمان جدید

۶۹	اصول اساسی فرمان جدید در قانون‌گذاری مسیحیت: شیوه جدید تعهدنامه.....
۷۰	پِلز روینو و پِلز بلانکو.....

۷۰	تعه‌دنامه (کاپیتولاسیون) جدید
۷۳	گزینه فرار
۷۴	پنهان‌کاری به مثابه واکنشی به تغییر دین اجباری
۷۷	آموزش آیین مسیحیت
۸۲	تغییر دین مودخارهای قدیمی در سرزمین‌های کاستیل
۸۴	فرمان تحمیل تغییر دین بر مودخارهای کاستیل/قشتاله
۸۶	تغییر دین به مسیحیت:
۸۶	یک دیدگاه اسلامی
۸۸	فتوای وهران در سال ۱۵۰۴ م
۹۴	سایر نظرات شرعی: فتوای‌های قاهره
۹۷	روبارویی مفتی‌های قاهره با مشکلات زندگی تحت حکومت اسپانیا
۹۷	مهاجرت
۹۷	سفر حج
۹۸	فقه‌های مذهبی
۹۸	استفاده از زبان غیرعربی
۹۹	سایر واکنش‌ها به مسائل ناشی از تغییر دین اجباری
۱۰۰	موعظه برای افرادی که بدون انجام آیین تشریف، دین خود را تغییر دادند
۱۰۳	
		بیانیه‌ای که به موجب آن زنان مسیحی قدیمی نباید به سبک مسلمانان لباس بپوشند و یا روبند (برقه)
۱۰۳	داشته باشند!
۱۰۶	دو موضع متفاوت در سیاست مسیحیت: همانندسازی/تغییر دین در برابر عدم پذیرش/اخراج

فصل سوم: وضعیت مسلمانان آراگون و والنسیا تا زمان تغییر اجباری دین

۱۱۲	آراگون
۱۱۶	آراگون و امپراطوری
۱۱۹	سیاست داخلی
۱۲۰	روی دیگر سکه
۱۲۱	والنسیا
۱۲۴	آخرین نهادهای اسلامی مودخار/مدجن
۱۲۸	حمایت پادشاهی از مسلمانان آراگون در اوایل قرن شانزدهم
۱۲۸	شورش‌های آگرمانتس در دهه ۱۵۲۰ م
۱۳۱	برای دی رمینخو
۱۳۷	مقاومت مسلحانه
۱۳۸	«موریسک‌ها»: یک نقطه عطف تاریخی

وضعیت مسلمانان در کاستیل در دهه ۱۵۲۰: سیاست همانندسازی	۱۴۲
شورای نظامی حاکم در گرانادا به سال ۱۵۲۶ م	۱۴۴
بیداری اسلام و آروالو	۱۵۱
آگستین دی ریبرا	۱۵۳
جوان؟	۱۵۶
یک تشابه سفاردی؟	۱۵۶
شجره‌نامه مرد جوان	۱۵۷
موریسک‌ها گرفتار دو پادشاهی: کاستیل و آراگون	۱۵۸
یک مناقشه بی‌ارزش مابین پادشاهی، اشراف و موریسک‌های شهرستان میزالوجا	۱۶۰

فصل پنجم: زندگی ادبی مسلمانان مخفی اسپانیا

در قرن شانزدهم مسلمانان پنهان چه کتاب‌هایی داشتند، چه کتاب‌هایی خواندند، چه کتاب‌هایی نوشتند؟

	۱۶۷
زبان‌های مسلمانان اسپانیا و مسلمانان پنهان	۱۶۸
عربی گفتاری اسپانیا	۱۶۹
نوشته‌های بومی عربی در اسپانیای قرن شانزدهم	۱۷۲
ویژگی‌های عربی نوشتاری به کار رفته در متون اخیر	۱۷۴
زبان‌های محلی لاتینی و نوشتارهای لاتینی برخی مسلمانان اسپانیا	۱۷۵
نگارش اسپانیایی با الفبای عربی (الخامیادو)	۱۷۶
کتاب مقدس به زبان بومی	۱۸۴
یک سبک جدید، یک زبان جدید	۱۸۵
تفاوت زبانی	۱۸۸
کتاب	۱۹۳
کتاب عربی که اواخر دوره در دسترس مسلمانان اسپانیا قرار داشت: منابع حدیث	۱۹۳
زندگی پیامبران	۱۹۶
تصوف و موریسک‌ها	۲۰۱
گزیده‌های مذهبی	۲۰۲
فقه: متون حقوقی و فقهی اسلامی	۲۰۳
الهیات	۲۰۸
ادبیات و متون جدلی	۲۱۱
دستور زبان	۲۱۴
فرهنگ لغات	۲۱۷
ادبیات نمایشی و سرگرمی	۲۱۸
	۲۱۹

۲۲۰	ادبیات داستانی.....
۲۲۲	داستان‌های کوتاه.....
۲۲۳	پدیده‌های زودگذر.....
۲۲۴	آثار اصیل به زبان الخامیادویی.....
۲۲۵	آثار سرگرم‌کننده.....
۲۲۶	طب موریسکی.....
۲۲۷	سفر.....
۲۲۸	مرد جوان آروالویی.....
۲۳۱	سه دست‌نوشته.....
۲۳۸	خاطراتی از یک موریسک پنهان.....
۲۳۹	گلچینی از نوشته‌های مرد جوان آروالویی.....
۲۳۹	۱. انگیزه‌های مرد جوان و نوشتن رساله مذهبی به زبان خود.....
	۲. در تجمع مسلمانان در ساراگوسا، در پی بحث مذهبی پرشور، به مرد جوان اتفاق شد تا بتواند به سفر حج برود.....
۲۴۰	۳. مرد جوان آروالویی و دریافت کمک در ساراگوسا.....
۲۴۳	۴. تحقیق معمولی و محلی در خائن/جَبَّان درباره توبه مسیحیت.....
۲۴۳	۵. تقیه.....
۲۴۴	۶. سخن مرد جوان از زن مسلمان اهل اُبد/أبده.....
۲۴۶	۷. آداب موریسکی برای بچه‌های نسل جدید.....
۲۴۸	۸. قدمت سفر زیارتی.....
۲۴۸	۹. نوزای کالدرن مرد جوان را به جای خود می‌نشانند.....
۲۴۹	۱۰. نوزای (تا / لا) کالدرن، زن قابله و عالم اسلامی و مطرح کردن مباحث الهی در سگوویا.....
۲۵۰	۱۱. نوزایا کالدرن برای ترتیب دادن بحثی درباره اینکه عبادت چه زمانی ارزشمند است؟ به آویلا دعوت شده است.....
۲۵۱	۱۲. ضرورت سخن گفتن نوزایا در آویلا، درباره مکه.....
۲۵۳	۱۳. مرد جوان از مقدمات نهایی برای سفر حج خود سخن می‌گوید: خرید شمشیر، آموزش زبان‌های قرآنی.....
۲۵۳	برخی از تفسیرهای پنهانی نوشته شده بر نگاشته‌های مرد جوان آروالویی.....
۲۵۶	تألیف‌های موریسک‌ها به حروفی غیر از حروف عربی.....
۲۵۶	گونه مسلمانی و سرگرمی عامه مردم.....
۲۶۲	نفوذ موریسک در جریان اصلی ادبیات.....
۲۶۷	

فصل ششم: جنگ‌ها و بحران‌ها: گرانا/د/غرناطه، ۱۵۶۷-۱۵۷۱م

۲۷۰	افزایش تنش‌ها.....
۲۸۴	عملیات نظامی.....

۲۹۲ گالرا
۳۰۰ پایان مقاومت آشکار
۳۰۵ پراکنده شدن ساکنان گرانادا

فصل هفتم: همسان‌سازی یا طرد؟ دهه‌های ۱۵۷۰م و ۱۵۸۰م

۳۰۹ کلیسا و مسئله موريسک‌ها
۳۱۰ همسان‌سازی یا طرد
۳۱۰ کلیسا و اسلام در اسپانیای قرن شانزدهم
۳۱۱ جامعه یسوعی و اسلام
۳۱۲ فعالیت‌های مبلغان مذهبی در قلمروی اسقف‌ها
۳۱۲ گرایش‌های دیگر: گسترش جداگانه
۳۱۴ مالیاتی به نام سیچوآدو
۳۱۹ بردگی
۳۲۴ یکسان‌سازی
۳۲۶ موريسک‌های ثروتمند
۳۲۹ خشونت همگانی: مداخله غیر تخصصی لوپرسیو لاتراس راجع به مسئله موريسک‌ها در آراگون
۳۳۰ راهزنی
۳۳۲ وضعیت آراگون در اسپانیا
۳۳۴ لوپرسیو لاتراس
۳۳۵ ویرانی کودو و بخش موريسک‌نشین روستای پینا

فصل هشتم: آخرین کتاب‌های نوشته شده به زبان عربی در اندلس و مسئله یکسان‌سازی

۳۴۳ آنچه که رخ داد
۳۴۵ تلفیق مذهبی
۳۴۷ طرح راه و مسیر
۳۵۰ چگونگی حفظ این فرقه
۳۵۱ معصومیت حضرت مریم <small>عليها السلام</small>
۳۵۴ کتاب خاموش
۳۵۴ موريسک‌ها و کتاب‌های سربی (lead)
۳۵۶ سند الحجری
۳۶۵ تحریف
۳۶۶ الحجری و تحریف
۳۶۶ اهداف طولانی مدت جاعلان
۳۶۸ انجیل بارتاباس به‌عنوان متن موريسکی

فصل نهم: اخراج

۳۷۹	تصمیم اتخاذ شده در لیسبون در سال ۱۵۸۱م.....
۳۸۶	قطع درگیری
۳۸۷	لرما نظر خود را تغییر می‌دهد.....
۳۹۰	روش‌ها و امکانات.....
۳۹۲	آخرین درخواست کمک مسلمانان اسپانیا از آفریقای شمالی.....
۳۹۶	تصمیم نهایی برای اخراج
۳۹۷	اجرای عملیات اخراج موريسک‌ها.....
۳۹۸	اولین فرامین اخراج (والنسیا، سال ۱۶۰۹م).....
۴۰۱	درخواست قربانیان
۴۰۲	جایگاه آخر
۴۰۴	در ساحل دور.....
۴۰۶	آخرین گروه‌های اعزامی از والنسیا: حرکت با کشتی در زمستان
۴۰۷	اخراج موريسک‌های آراگون و کاتالونیا.....
۴۱۱	پادشاهی کاستیل.....
۴۱۲	اخراج از سرزمین‌های قلمرو کاستیل.....
۴۱۳	اخراج خودخواسته: کاستیل.....
۴۱۸	اخراج‌های اجباری.....
	فرمان ۱۲-۱۳ ژانویه سال ۱۶۱۰م، برای اندلسی‌ها (از جمله گراناذا از آنجا که برخی از کسانی که اخراج شده بودند، بازگشته‌اند).....
۴۱۸	فرمان ۱۰ جولای در آراندنا صادر شد (برای اجرا در کاستیل جدید و قدیم، اکسترامادورا و لامانچا).....
۴۱۹	موارد استثنایی و ناخوشایند.....
۴۲۰	برندگان.....
۴۲۱	بقایای آخر

فصل دهم: روابط بین‌المللی

۴۳۰	تأثیر ترک‌ها پس از یک قرن
۴۳۱	هیئت دیپلماتیک موريسکی در استانبول
۴۳۵	جهت‌گیری جدید دیپلماتیک
۴۳۸	تجدید نظر در پیمان‌های موريسکی.....
۴۴۴	موريسک‌ها و فرانسه
۴۴۵	انگلیس و موريسک‌ها.....
۴۴۹	موريسک‌ها و هلند.....

فصل یازدهم: نتایج ناخوشایند

خارج از اروپا	۴۵۵
پیامدهای اقتصادی اخراج در اسپانیا	۴۶۴
تأثیر اخراج بر روی اقتصاد اسپانیایی: بررسی موردی	۴۶۵
پیامدهای کلی	۴۶۶
موریسک‌ها به‌عنوان افراد تبعیدی و آواره	۴۶۸

فصل دوازدهم: هورناخوس / هورناخوس: یک مورد خاص

هورناخوس در پایان قرون وسطی	۴۷۲
-----------------------------	-----

ضمیمه ۱: آزادی مذهبی و قانون اساسی مدرن اسپانیایی

ضمیمه ۲: «موریسک» و «مودخار» در یادداشت‌های آلونسو دل کاستیو

موریسک	۴۸۵
مودخار	۴۸۷

ضمیمه ۳: متن اصلی ساکرومونتته

فهرست کتب	۴۹۰
یک متن عربی بیرون آمده از تپه ساکرومونتته نزدیک گراناادا در سال ۱۵۹۵ م	۴۹۲
کتابخانه هارلی در انگلیس	۴۹۲
نسخه موجود در لندن: کتابخانه هارلی در انگلیس	۴۹۶

ضمیمه ۴: نظر گونگورا نسبت به ساکرومونتته

ضمیمه ۵: برخی از نمونه‌های متون اداری در ارتباط با موریسک‌ها

ضمیمه ۶: موریسک‌های جزایر قناری و گوانچرها

ضمیمه ۷: یک نمونه از ادبیات خود توجیهی پس از اخراج

ضمیمه ۸: واکنش‌های مردمی به مسئله اخراج

کتاب‌شناسی	۵۲۶
منابع و مآخذ	۵۲۹

نمایه‌ها

نمایه اشخاص	۵۵۳
نمایه مکان‌ها	۵۶۴

مقدمه مترجمان

ترجمه کتابی که پیش روی خوانندگان عزیز است در زمینه مطالعات تاریخ اسپانیای اسلامی با آگاهی از سرنوشت مسلمانان پس از فروپاشی دولت‌های اسلامی در آنجا نوشته شده است و به خوبی نمایانگر شرایط دشوار حاکم بر مسلمانان از فاصله سال‌های ۱۵۰۰-۱۶۱۴ م. است. یعنی سال‌های پس از معاهده دولت مسلمان بنو‌احمر در گرانادا/غرناطه در سال ۱۴۹۲ م. با مسیحیان و واگذاری حکومت به آنهاست.

در این دوره زمانی که به تدریج این عهدنامه از سوی مسیحیان زیر پا نهاده شد و به سمت تغییر مذهب اجباری مسلمانانی که پس از سقوط اسلام در اندلس بر دین خود باقی مانده بودند پیش رفت، مسلمانانی که در ادبیات تاریخی اسپانیا و نیز تاریخ ادبیات عرب به مُدَجَّان^۱ یا مودخارها معروف هستند، این مسلمانان با صدور احکام جدید از سوی مسیحیان مجبور به تغییر مذهب یا اخراج از اسپانیا شدند. این فرمان‌های جدید در مناطقی چون آلپوخاراس/الْبُشَرَات، یا البُشَرَات موجب نارضایتی مسلمانان و منجر به قیام‌هایی از سوی آنان شد. مسیحیان حاکم تمامی این قیام‌ها را سرکوب و در نهایت مسلمانان در این دوره شیوه جدیدی از «زیست پنهانی» را آغاز کردند.

نویسنده در این کتاب به استناد اسناد دست اول به تبیین شرایط زیستی و فرهنگی مسلمانان در آن دوران و نیز به بررسی این فرمان‌ها و احکام در مناطق مختلف پرداخته و آنها را تجزیه و تحلیل کرده است. گفتنی است که نویسنده محترم در بعضی از ارزیابی‌های خود نوعی نگاه

۱. همان مودخارها به اسپانیولی است و منظور مسلمانانی که مسیحی نشده و به صورت پنهان مسلمان باقی مانده بودند (مترجم).

متعصبانه از خود نشان داده که در مواردی به آنها اشاره شده است. مؤلف کتاب در این اثر تحقیقی گرانسنگ از پژوهش‌های برخی از پژوهشگران معاصر و دیدگاه‌های آنان درباره حوادث آن زمان بهره برده و با بیان آنها به بررسی انتقادی از آنان نیز پرداخته است؛ اما با این وجود پژوهش وی به شیوه استنادی آن «پوزیتیویستی» قابل تقدیر بوده و منبعی مهم در این دوره تاریخی از حیات سیاسی-اجتماعی مسلمانان پس از عصر سقوط است که پژوهشگران کمتر با آن آشنایی دارند.

در ترجمه کتاب با توجه به اینکه نمایانگر تاریخ اسپانیا است تلاش شده تا اسامی خاص افراد اسپانیایی با تلفظ اسپانیولی منظور و ثبت شود تا تفاوت آوانگاری برخی حروف اسپانیولی از حروف انگلیسی نشان داده شود و خواننده را بیشتر در فضای تاریخ و فرهنگ اسپانیا قرار دهد؛ و تنها در ضبط نمایه‌های مربوط به اسپانیا و تاریخ آن اعمال شده است و نام‌های پژوهشگران غیراسپانیولی براساس تلفظ انگلیسی آوانگاری شده است. با توجه به پیشینه اسلامی ۸۰۰ ساله اسپانیا و شبه جزیره ایبری در کنار نام‌های اسپانیولی، اسلامی در کنار یکدیگر آمده و در پانویس بدانها اشاره شده است؛ و در پایان کتاب نیز نمایه‌ای تطبیقی از این نام‌های جدید و قدیم تدوین شده است.

و اما در مورد نویسنده

لئونارد پاتریک هاروی (Leonard Patrick Harvey) استاد اسپانیولی دانشگاه آکسفورد در نیمه قرن بیستم به شمار می‌رفت و پس از آن ریاست بخش اسپانیایی کالج (کلین بری) لندن شد؛ و سپس استاد زبان اسپانیایی در کینگ کالج (King's College London) لندن. او در سال ۱۹۸۳م. در دانشگاه لندن بازنشسته شد و به تحقیق و پژوهش ادامه داد. پاتریک هاروی پیش از این کتاب، کتاب دیگری داشته است در مورد اسپانیای اسلامی در فاصله سال‌های ۱۲۵۰-۱۵۰۰م. که آن را باید پیش‌درآمدی بر این کتاب فرض کرد و ان‌شاءالله ترجمه آن در دسترس فارسی زبان قرار خواهد گرفت.

تخصص اصلی نویسنده در مورد مغربی‌های اندلس یا همان مسلمانان پس از سقوط غرناطه است که به نام «موریسکوها» نیز در ادبیات غربی شناخته می‌شوند. او این کتاب را به استناد اسناد موجود در حوزه جغرافیایی شبه جزیره ایبری و کشورهای مسلمان حاشیه جنوبی دریای مدیترانه تهیه کرده است.

مقدمه ترجمه ۳

امید است ترجمه این کتاب که می‌توان اعلام کرد برای نخستین بار یک منبع پژوهشی و مستند در خصوص تاریخ مسلمانان اندلس پس از سقوط در دسترس است مورد استفاده پژوهشگران و استادان محترم قرار بگیرد.

مترجمان

تابستان ۱۳۹۶

مقدمه مؤلف

ماجرای این گزارش تاریخی از سال ۹۰۵/۱۵۰۰م، و با به‌طور دقیق‌تر از ۱۸ دسامبر سال ۱۴۹۹م/۹۰۴ه، آغاز می‌شود. در آن زمان ساکنان آلبایسین/البیازین^۱ در بخش مهم مسلمان‌نشین گرانادا/غرناطه^۲ از ناکارآمدی مقامات کاستیل/قشتاله^۳ در رعایت مفاد اساسی مشخص شده برای این شهر که هشت سال پیش تسلیم شده بود به‌ویژه تعهداتی که نسبت به حقوق مسلمانان وجود داشت، به ستوه آمده بودند، شورش کردند و زمام امور شهر را به عهده گرفتند. ساکنان آنجا به آسانی کنترل محله‌های باریک و پر پیچ و خم را در دست گرفتند، اما از آنجا که این جنبش بسیار ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی صحیح صورت گرفت، در عرض سه روز از هم پاشید و هنگامی که دامنه این جنبش به کوه‌های آلبوخاراس/البشازات^۴، که شرایط در آنجا متفاوت از آلبایسین/البیازین بود، کشانده شد، در آلبایسین/البیازین به سرعت نظامی دوباره حاکم شد. با وجود این رخدادهایی که بین دسامبر ۱۴۹۹م/۹۰۴ه، تا ژانویه ۱۵۰۰م، در گرانادا/غرناطه رخ داد، تاکنون در خاطره‌ها باقی مانده است. اگر به آن حوادث فقط به‌عنوان حوادث بومی نگریسته شود باید آن را به مثابه جنبش مدنی نگرست، که توسط عملیات شدید نظامی سرکوب شد، در غیر این صورت اگر در زمره تاریخ شبه‌جزیره ایبری در نظر گرفته شود، به‌عنوان شروع دوره‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد که منجر به پایان یافتن اسلام اسپانیایی در حدود ۱۱۴ سال پس از آغاز آن شد.^۵

1. البیازین در دوره اسلامی Albaicin

2. غرناطه در دوره اسلامی Granada

3. قشتاله در دوره اسلامی Castil

4. البشازات در دوره اسلامی Alpujarras

5. آغاز آن پایان سلطه سیاسی مسلمانان بر اندلس در سال ۱۴۹۲م، بود.

حاکمان مسیحی مناطق مختلف اسپانیا تا پیش از پایان سال ۱۴۹۹م، هم بر مسلمانان و هم بر شهروندان مسیحی حکمرانی می‌کردند و مسلمانان در اسپانیا از جایگاه خوب و مطمئنی برخوردار بودند. اگرچه گاهی اوقات و در مکان‌هایی دشمنی با مسلمانان نمود پیدا می‌کرد، ولی هرگز در این مسئله که آنها به سرزمینی تعلق دارند که در آن به دنیا آمده‌اند، تردید به وجود نیامده بود. در شاهکار قرون وسطایی، «شعر پروردگار من» دو واژه «مورها» و «مسیحیان» به معنای «همه افراد» بیان شده است، ولی از اوایل سال ۱۵۰۰م، به بعد به‌طور جدی روندی آغاز شد که منجر به حذف مسلمانان از جامعه اسپانیا شد. در مرحله اول آنها را مجبور به تغییر دین کردند. البته آن‌گونه که خواهیم دید این کار به یک‌باره انجام نشد و روند اجرای آن تا اواسط دهه ۱۵۲۰م/۹۲۵هـ، که باقی‌مانده مسلمانان مجبور به تسلیم شدند، ادامه یافت. و به دنبال آن و در اواخر قرن شانزدهم، دوران آزار و اذیت مسلمانان آغاز شد و سرانجام زمان اخراج و محو تمام مسلمانان از خاک اسپانیا فرارسید: یعنی اخراج ۱۶۰۹-۱۶۱۴م/۱۰۱۴-۱۰۱۹هـ، پس از آن تاریخ حداقل در ظاهر هیچ مسلمانی باقی نماند. در حقیقت تعداد مسلمان به جای مانده به قدری کم بود که می‌توان گفت سال ۱۶۱۴م، عملاً خاتمه حضور مسلمانان و اسلام در اسپانیا بود.

برخی از مورخان غربی هنگامی که به بررسی این جوامع نومذهبی که به اجبار تغییر دین داده می‌پردازند و پیامدهای وقایع پس از آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، آنان را بیشتر مردمی عجیب و غریب می‌نگرند که در وطن خود پایگاهی نداشته و در ماجرای وقایع بزرگ امپراطوری اسپانیایی که در برابر دیدگان جهان آن روز اتفاق افتاد، در حاشیه قرار داشتند، اما در مورد آنچه درباره آنها به عربی به رشته تحریر درآمده، باید گفت که تا پدید آمدن اثر ابتکاری دانشمند مصری، محمد عبدالله عنان در رابطه با موضوع مرحله پایانی تاریخ نهصد ساله مسلمانان در شبه‌جزیره ایبری کتب کمی در دسترس بود. اگرچه جای تعجب نیست که دنیای عرب به دوران انحطاط و وقایع ناگوار قرن پایانی در اندلس در مقایسه با دوران استیلای اسلامی توجه کمتری داشته باشد.

گرچه امروزه مورخان عرب نه تنها از شمال آفریقا، بلکه از اقصی نقاط دنیای عرب کارهای تحقیقی درباره سرگذشت و فرهنگ مسلمانان پنهان اسپانیا در دوره پایانی انجام می‌دهند؛ ولی این حقیقت که آنها در این تحقیقات معمولاً از واژه بیگانه موریسکیون استفاده می‌کنند به قدر کافی

نشانگر این است که آنان بیشتر از طریق دانشمندان اروپایی برای مطالعه در این حوزه تهییج شدند. البته این به معنی آن نیست که مطالعات جدید دانشمندان عرب بینش بدیع و مهمی به ارمغان نیاورده است. برای نمونه برخی از بارزش‌ترین آثار مربوط به سال‌های اخیر، از پژوهش آرشیه‌های عثمانیان و سایرین از سوی مورخ تونس، عبدالجلیل تمیمی به دست آمده است.

در این کتاب تلاش شده است تا دوره پایانی حضور مسلمانان در شبه جزیره ایبری را در دو بخش فرهنگی و مذهبی و با استفاده از منابع عربی (هرچند ناچیز) و مطالب بسیار درباره این دوره در زبان‌های اروپایی، بررسی نماید. گرچه برای کتاب‌های نوشته شده درباره مسلمانان اسپانیا عصر پایانی یک کار تکمیلی ضرورت دارد، لکن بیشتر از این مسئله غفلت شده است که آنها خودشان چه کتبی نوشتند، و ادبیات زیرزمینی خود آنها چه بود؟ این کتاب‌ها در بیشتر موارد به زبان محلی متفاوت‌تر از زبان استاندارد و با اقتباس از حروف عربی - آنچه امروزه کتاب‌شناسان و متخصصان ادبیات الخامیادو می‌نامند - نوشته شده است.

در کتاب حاضر تلاش شده است به آنچه مسلمانان، مسلمانان پنهان و مورسک‌های^۱ اسپانیا، برای گفتن داشتند توجه شود. این کتاب به هیچ عنوان اثر جدیدی نیست، زیرا پاسکال دی گایانگوس، پژوهشگر پیشگام برجسته قرن نوزدهم در زمینه مطالعات مورسکی پیشگام بود. او از ابتدا تلاش کرد تا دانش بی‌نظیر خود درباره منابع عربی و الخامیادو را در دسترس مردم بیشتری قرار دهد. مقاله وی به سال ۱۸۳۹م، با عنوان «زبان و ادبیات مورسک‌ها» شاخص آغاز پژوهش‌های نوین علمی به زبان انگلیسی است. در همین دوران اخیر نیز نوشته‌هایی که در سطح گسترده از مطالب مورسکی استفاده کرده‌اند مانند کتاب انور شحنه^۲ با عنوان اسلام و غرب: مورسک‌ها، شرح حال فرهنگی و اجتماعی (۱۹۸۳م) کم نیستند. باید قدردان افزایش فعالیت‌های پژوهشی در این حوزه در سال‌های اخیر به‌ویژه در خود اسپانیا بود و مطالب جدید آن چنان زیاد شده است که به نظرم زمان آن فرا رسیده تا تلاش شود این مطالب برای خوانندگان انگلیسی زبان نیز بیان شود.

این کتاب در ادامه کتاب پیشین من با عنوان اسپانیای اسلامی ۱۲۵۰ تا ۱۵۰۰م،^۳ نگاشته شده است، اما در جایگاه خود به‌عنوان اثری کاملاً مستقل تنظیم می‌شود. این کتاب اساساً با

۱. مسلمانان مسیحی شده در اسپانیا.

2. Chejne, Anwar G. 1983. *Islam and the West. The Moriscos: A Cultural and Social History*. Albany.

3. Harvey, Leonard Patrick 1990b. *Islamic Spain, 1250 to 1500*. Chicago.

رخداد‌های مختلفی سروکار دارد، مانند آنچه که جمعیت بومی مسلمان اسپانیا پس از سال ۱۵۰۰م، انجام دادند و آنچه که بر سر آنها آمد، افزون بر آن به مفاهیم دیگری نیز می‌پردازد: مانند اینکه همسایگان مسیحی در مورد این مسلمانان چه نظری داشتند، همین‌طور نظر مسلمانان درباره خود و مسیحیان چگونه بوده است؟ این نظریات فقط توضیحات اضافی‌گزینشی برای نقل وقایع نیست، بلکه آنها مقدمات نسبتاً ضروری برای درک مورسک‌هاست. همان‌گونه که مردم فلسطین و یا اسرائیل [رژیم اشغالگر قدس] شیوه‌های کاملاً متفاوتی درباره وقایع روی داده در گذشته نزدیک درباره چگونگی آنچه که حقیقتاً روی داده است، بیان می‌کنند که ممکن است حوادث توسط اعضای گروه‌های مختلف، هم در کوتاه‌مدت و هم در طولانی‌ترین دوره‌ها به شیوه‌های کاملاً متفاوت به تصویر کشیده شود.

اگر امکان داشت خود را از تنظیم این مقدمه دور سازم و نگاهی پرتأمل به صفحه اول روزنامه روزی از سال ۱۹۹۵م، ببینم، گزارش‌هایی از درگیری خشونت‌بار درباره این موضوع می‌یافتم که آیا مسلمانان باید در این شهر اروپایی خاص به زندگی ادامه دهند؟ مسیحیانی که در آرزوی راندن این مسلمانان اروپایی به خارج از آن به سر می‌بردند هرگز در این نواحی زندگی نکرده بودند، ولی کاملاً متقاعد شده بودند که حق تصمیم‌گیری درباره آن را دارند و اینکه چه کسی می‌تواند در وطن بماند و چه کسی به‌عنوان متجاوز مستحق «تصفیه، پاکسازی» و بیرون رانده شدن است. در آن روزها و وقتی که زمان تصمیم‌گیری برای حضور یک اقلیت مسلمان در خاک اروپا رسید نمی‌توانستم به این موضوع بی‌توجه باشم! احساسی که بر عملکرد مردم حاکم بود، همان احساس خشن و تند بود که پانصد سال قبل در میان مسیحیان و مسلمانان وجود داشت. در حالی که مشغول بازبینی این صفحات در این عصر طلایی هستم، به نظر می‌رسد مشابهت زیادی با عناوین روزنامه سال ۱۹۹۵م، دارد. گرچه این عناوین در مناطق مختلف، متفاوت است. در این کتاب ما با احساساتی خشم‌آلود و قدرتی هم‌پایه سال ۱۵۰۰م، به وقایعی که پانصد سال پیش روی داده می‌پردازیم.

مسیحیان شبه‌جزیره ایبری که در پی فتح دوباره بودند تا پایان قرون وسطی در مورد حقانیت آنچه انجام می‌دادند تردید نداشتند. دقیقاً برخلاف آن، آنها به این باور عمیق رسیده بودند که وظایف دینی خود را به جا می‌آورند. آنان برای بازپس‌گیری آنچه متأسفانه نیاکانشان (آن‌چنان که بسیاری از ادبیات شعری بیان می‌کند، در زمان رودریک، آخرین پادشاه ویزیگوت بوده)

از دست داده بودند مبارزه می‌کردند. برای مسلمانان هم در مورد حق زندگی در وطن خود هیچ تردیدی وجود نداشت. آنها به هیچ وجه تصور نمی‌کردند که ممکن است مجبور شوند خاک اندلس را که به خاطر فتح آن مشهور شده بودند، به صاحبان اصلی‌اش پس دهند. همان‌طور که مسلمانان مصر امروزه احساس نمی‌کنند که باید کشور خود را به مسیحیان قبطی بازگردانند. مسلمانان شبه‌جزیره ایبری نیز همان امنیتی را که امروزه شهروندان آمریکایی در سرزمین خود احساس می‌کنند، در سرزمین خود حس می‌کردند.

تسلیم گرانادا به سال ۱۴۹۲م/۸۰۷هـ، موجب بروز انتقادهایی در میان مسلمانان متعصب شد که چگونه گناهان آنان چنین بلایی را بر سر اندلس آورد. بی‌تردید آنان درباره حق مالکیت بر دارایی خود مورد هجوم و ظلم واقع شده بودند. در آن عصر آن‌گونه که امروزه دو نام فلسطین و اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس)، برای یک مکان جغرافیایی اطلاق می‌شود، دو نام مجزای اندلس و اسپانیا وجود نداشت. چنین نیست که آنها حاصل دو تعبیر از پیشینه‌ای یکسان باشند، بلکه آنها دارای دو تاریخچه کاملاً مجزا در یک مکان جغرافیایی هستند. امیدوار نیستم که بتوانم این دو تاریخچه را با هم تطبیق کرده در قالبی نو ترکیب کنم. آنچه را که در صدد انجام آن هستم ارائه فرصتی برای خودمان است تا به سخنان هر دو طرف گوش بسپاریم.

تقدیر و تشکر

از زحمات و همکاری‌های مختلف دوستان و همکارانم در پدید آمدن چنین کتاب پرستندی سپاس و تقدیر می‌کنم. جرقه نگارش این کتاب در ذهن من در سال ۱۹۵۶م، شکل گرفت که رساله دکترای خود را در اکسفورد ارائه کردم و فیش‌های بسیاری باقی مانده بود که از گنجاندن آنها در رساله منع شده بودم. پس از سال‌ها همه کسانی که برای تنظیم کامل آن کمک کار من بودند اکنون به یاد می‌آورند که تصور می‌کردند هرگز فصل اول را آغاز نخواهم کرد.

یکی از منابع اصلی من یک مسلمان پنهان اسرارآمیز، مشهور به مرد جوان اهل آروالو^۱ است. وی در مقدمه یکی از آثارش با ناراحتی خاطر نشان می‌کند که «این کتاب حاصل کار خود من نیست»^۲ و باز در ادامه از بردن اسامی پوزش می‌طلبید، که نام بردن از آنها تکلیف بسیار بزرگی بوده است^۳ و من از این بابت باید از وی تشکر کنم. علاوه بر این از بیشتر کسانی که طی سال‌ها در کمک و یاری من بسیار سخاوتمند بودند، تقاضا دارم تا مطالب کلی من در کتاب را پذیرا باشند که به آنها مدیون هستم. با این حال افرادی وجود دارد که نمی‌توانم از بیان نام آنها خودداری کنم. تردیدی ندارم که باید با نام فر. پدرو لونگاس^۴ شروع کنم فردی که مسئولیت اصلی آموزش من در سال ۱۹۵۴م، برای خواندن کتب اسپانیایی را به عهده گرفت. کتاب‌هایی که از سوی مسلمانان با حروف عربی (الخامیادو/الأعجمیه) نگاهشته شده بودند. وی برای این کار توجه مرا به سوی گنجینه‌هایی مربوط به این حوزه در مادرید یعنی به کتاب‌شناسی

1. *Mancebo de Ar'evalo*

2. *no sali'o todo del trabajo m'io*

3. *Si todos se ubiesen de abocar, ser'ia un enanto muy largo*

4. Fr. Pedro Long'as

ملی و دانشکده آموزش و پرورش عرب جلب کرد، جایی که دون امیلیو گاراسیا گومس کمک شایان خود به یک پژوهشگر کاملاً ناپخته را محقق کرد. راهنمایان پژوهشی صبور من در آکسفورد در درجه اول آقای همیلتون گیب،^۱ و پس از اینکه او از هاروارد جدا شد، پروفیسور آ. اف. ال. بیستون^۲ بودند؛ اما من بیش از همه مدیون ساموئل اشترن هستم، فردی که همیشه آماده بود تا تخصص فوق‌العاده و دانش فنی وسیع خود را در حوزه کتاب‌شناختی در اختیار همه عالم قرار دهد.

1. Sir Hamilton Gibb

2. A. F. L. Beeston